



شناخت ابعاد شخصیتی سید جمال الدین حسینی؛ الگویی برای جوانان

مرتضی قاسمی حامد

mor.ghasemihamed@gmail.com

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

حامد جمالی

hamedjamali.a@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

چکیده

سید جمال الدین حسینی اسدآبادی به سال ۱۲۵۴ق در کوی سیدان اسدآباد همدان دیده به جهان گشود. او در طول حیات خود از محضر شخصیت‌های برجسته‌ای همچون سید صادق طباطبایی، شیخ مرتضی انصاری و آخوند ملا حسین همدانی بهره برد. از جمله آثار او، تألیف مقالات و انتشار چندین نشریه در کشورهای مختلف است، اما بیش از آن اندیشه و روان او بر جهان اسلام اثر گذاشت. وی در نهایت در شوال ۱۳۱۴ق به وفات رسید. مهم‌ترین تفکرات سید که عامل پیشرفت جهان اسلام بود، از این قرارند: بازگشت به اسلام اصیل و احیای تفکر دینی، وحدت و همبستگی جهان اسلام، ایستادگی در مقابل استعمار خارجی و رهایی از استبداد داخلی، پیوند دین و سیاست، و علم آموزی مسلمانان و شناخت آنان از علوم جدید. همچنین، از جمله ابعاد شخصیتی سید جمال که باعث بروز آن تفکرات گردید عبارتند از: عاشق علم و عالم، قناعت و سادگی، خطیبی توانا و قدرت استدلال، آگاه به زمانه، سخت‌کوش، مردی شجاع و صریح و بی‌پروا، باهوش، عامل و متعهد به قرآن و اسلام، تارک دنیا و عزت‌گرا و مخالف ذلت، شهادت طلب، قردان و رک و راست بودن، عمل‌کننده به وحدت کلمه، نیکو شمایل و جذبه داشتن، اجتناب از درویشی، و بی‌نام و نشان و نام‌آشنای جهان اسلام. بهره‌برداری از هریک از ابعاد شخصیتی سید جمال الدین حسینی، راهی برای الگوپذیری جوانان جهان اسلام می‌گشاید؛ چراکه اگر جوانان از این ویژگیها برخوردار باشند، باعث پیشرفت جهان اسلام می‌گردند، همان‌گونه که سید جمال نیز باعث پیشرفت آن بود. سید جمال، الگویی بی‌بدیل برای ساخت شخصیت یک مسلمان در دوران کودکی و بزرگسالی، به خصوص جوانی است؛ چراکه اگر یک جوان در دوران پرشور جوانی، دارای خصایصی همچون شجاعت، علم‌اندوزی، تعهد به قرآن، مخالف ذلت و شهادت طلب باشد، باعث ارتقای جهان اسلام می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: سید جمال الدین حسینی، تفکرات، ابعاد شخصیتی.



مقدمه

سید جمال الدین حسینی بدون تردید، اولین و مهم‌ترین منادی اصلاح طلبی دینی و وحدت مسلمانان در قرون اخیر، می‌باشد. آنچه بسیار حائز اهمیت است، این می‌باشد که بدانیم کدام یک از تفکرات سید باعث پیشرفت جهان اسلام شد. برای درک بهتر این موضوع، شناخت ابعاد شخصیتی وی از درجه اهمیت بالایی برخوردار می‌گردد. مقاله حاضر در صدد تشریح ابعاد شخصیتی او می‌باشد، تا به عنوان الگویی در جهان اسلام از او تبعیت شود.

زندگی نامه سید جمال الدین حسینی

سید جمال الدین اسدآبادی به سال ۱۲۵۴ق در کوی سیدان اسدآباد همدان دیده به جهان گشود. پدرش سید صفدر و مادرش سکینه بیگم، هردو از شجره سادات حسینی مقیم آن سامان بودند. نیاکانش از ۶۷۳ق در اسدآباد سکنی گزیده، در همان دیار دار فانی را وداع گفته‌اند و جنب امام زاده احمد به خاک خفته‌اند که تاکنون نام و نشان ایشان در الواح قبورشان به جای مانده است. وی کوچک‌ترین فرزند خانواده بود و یک برادر و دو خواهر به نامهای سید مسیح الله، طیبه بیگم و مریم بیگم داشت. (۱)

وی پنج ساله بود که در مکتب پدر، با قرآن و برخی از کتابهای فارسی و قواعد عربی آشنا شد و اندکی تفسیر قرآن آموخت. او به خاطر استعداد و تواناییهای فراوانش برای تحصیل راهی حوزه قزوین شد. جمال الدین با کوششی خستگی ناپذیر به فراگیری دانشهای معمول پرداخت. او در این ایام بیشتر وقت خود را حتی در روزهای تعطیل صرف مطالعه می‌کرد. به هرحال دوران اقامت او در قزوین دو سال به طول انجامید و پس از آن به اتفاق پدر عازم تهران شد.

سید جمال از محضر مجتهد و عالم بزرگ عرصه علم در تهران سید صادق طباطبایی استفاده کرد. هرچند که در نگاه اول از طرف سید صادق مورد ملامت قرار گرفت، ولی پس از اندکی، سید صادق به ذکاوت و استعداد و نبوغ وی پی برد و او را مورد لطف و مرحمت قرار داد. سید جمال پس از عزیمت به نجف، از محضر شیخ مرتضی انصاری و آخوند ملا حسین همدانی در علوم تفسیر، حدیث، فقه، اصول، کلام، فلسفه و منطق، ریاضی، طب و تشریح و هیئت و نجوم بهره برد. سرانجام دسیسه‌ها علیه او چیدند تا بلکه وی را از میان بردارند و به زندگیش پایان دهند. شیخ مرتضی چون از قصد شوم آنان آگاهی یافت، سید را به همراه پیری روشن ضمیر که سیدی جلیل بود به سوی بمبئی روانه ساخت. در این زمان بود که سفرهای طولانی و نقل مکانهای پی در پی سید جمال شروع شد. در این ایام که سید جمال جوانی ۱۷ ساله بود وارد بوشهر شد و با مجتهد آن دیار دیدار کرد. سید پس از مدتی اقامت در خانه «حاج عبدالنبی

آل صفر» به جانب هندوستان رفت.

سید جمال الدین در طول عمر خود آثار چندینی از خود بر جای نگذاشت ولی علاوه بر انتشار چندین نشریه در کشورهای مختلف، اندیشه و روان او همچنان در ممالک اسلامی و جهان اسلام جاری و ساری است. از جمله آثار سید جمال الدین اسدآبادی، می‌توان به تألیف «رساله نیچریه»، «رساله اکهوریان»، «مقاله تعلیم و تربیت»، «مقاله فضایل دین اسلام» و «فوائد فلسفه» و انتشار «مجله العروة الوثقی»، «نشریه ابوظاره» و «نشریه ضیاء الخائفین» اشاره کرد. در نهایت سید جمال به دندان درد شدیدی مبتلا شد که در شوال ۱۳۱۴ق به وفات رسید. وی را شبانه در نزدیکی محل سکونتش در استانبول به خاک سپردند. (۲)

تفکرات سید جمال الدین حسینی و پیشرفت جهان اسلام

تفکرات سید که عامل پیشرفت جهان اسلام بود، از وجوه بسیاری برخوردار است که مهم‌ترین آنها از این قرارند:

۱) بازگشت به اسلام اصیل و احیای تفکر دینی

جریان اصلاح طلبی دینی در دو بعد فکری و سیاسی، تز مقاومت در برابر هجوم سیاسی - فکری و فرهنگ و تمدن غرب را، مطرح نمود که اگرچه در اصل، در زمینه تفکر دینی آغاز شد، ولی با موضع‌گیری شدید سیاسی علیه استعمار و چهره غارتگرانه تمدن غرب، تأثیر عمیقی در زندگی سیاسی - اجتماعی مسلمانان، در اواخر قرن ۱۳ و ۱۴ گذاشت. این جریان از نظر فکری و فرهنگی به طرد و نفی تفکر جدید، ارزشها و آراء و عقاید سیاسی، اجتماعی و جهان بینی غربیان، پرداخت و در این امر تا آنجا که با رویه و چهره دیگر تمدن غرب، یعنی چهره استعماری آن در پیوند بود، پیش رفت و به جای آن، شعار «بازگشت به اسلام»، «بازگشت به قرآن»، و اسلام اصیل و اولیه را، فارغ از هرگونه خرافه، بدعت، پیرایه و انحراف، عنوان نمود. (۳)

سید جمال الدین اسدآبادی بدون تردید، اولین و مهم‌ترین منادی اصلاح طلبی دینی و وحدت مسلمین در قرون اخیر، می‌باشد. [سید، که در کابل او را اسلامبولی و در قاهره کنری و در اروپا افغانی و در حیدرآباد دکن مصریش می‌پنداشتند و روزنامه‌های ایران او را ایرانی و سید همدانی می‌نامیدند، در افقی گسترده، به دورنمای وسیعی می‌نگریست که در آن، جامعه مسلمانان بدون قید و نژاد، برای تغییر اوضاع نامناسب روزگار خویش کوشش مشترک داشته باشند. سید، مصلح عالم اسلام بود. از این رو، همگان از خورشید وجود او پرتو می‌گرفتند. (۴) دعوت و نهضت او، برخلاف بسیاری از دعوتهای و نهضتها، هم جنبه فکری - فرهنگی داشت و هم جنبه سیاسی - اجتماعی و این دو جنبه نیز در یک پیوند منطقی با یکدیگر قرار داشتند





و بنابراین، طرح آرمان وحدت اسلامی از دیدگاه سید جمال، که دارای ابعاد مختلف فرهنگی - تمدنی و سیاسی - اقتصادی بوده و در مقابل هجوم تمدن جدید غربی و قدرت سیاسی - نظامی استعمار غربی مطرح شده بود، بدون طرح اندیشه‌های سیاسی سید جمال و تزه‌های اصلاحی او، با توجه به شرایط و اوضاع سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مسلمین و جامعه اسلامی عصر وی، نارسا و غیرکافی خواهد بود. (۵)

شرایط و اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی و فکری - فرهنگی دوران سید جمال و دردها و مصائب و مشکلات عظیمی که در نیمه دوم قرن ۱۳ گریبان‌گیر جامعه اسلامی بود، در داخل و خارج، به ویژه در رابطه با مسئله تفرقه و استعمار، نیز، به خوبی در اقوال و افکار سید جمال منعکس گردیده و او را به چاره‌جویی و درمان آن دردها، در چهارچوب اسلام و تعالیم دینی و اصلاحی، کشانده است. او، با توجه به جمعیت عظیم و وسعت اراضی امت و جامعه اسلامی، با انواع نعمتها و ثروتهای زیرزمینی و روی زمینی، در ترسیم وضع مسلمین و بلاد اسلامی، می‌گوید: جامعه اسلامی، مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار گرفته و اموالشان غارت شده و بیگانگان به اغلب کشورهای این جامعه مسلط هستند و سرزمینهای آن را قطعه قطعه، در میان خود تقسیم می‌کنند، به سخنان آنان گوش نمی‌کنند و به دستور آنان توجه نمی‌نمایند، چنان ذلیل و خوار گشته‌اند که پادشاهان و امرای باقیمانده این امت صبح خود را با مصائب شروع می‌کنند و روز خویش را با رنج و مشقت به شب می‌رسانند، ترس از بیگانگان بر وجود آنان مستولی شده و یأس بیش از امید به روح آنان غلبه کرده است. (۶)

اینها مسائلی بود که افکار سید را به شدت به خود مشغول ساخته و وی را بر آن داشت تا چاره این مشکلات را اجرای بنسبند آنچه که اسلام ناب محمدی (ص) یعنی اسلام اصیل توصیه کرده است، بداند.

سید موضوع شناساندن اسلام ناب و زدودن خرافات و عقاید نادرست را از باورهای مسلمانان یکی از مباحث مهم می‌دانست و در بیشتر گفتارها و نوشتارهایش بر این نکته اصرار می‌ورزید که دین اسلام در طول قرون متمادی به سبب بروز عوارض گوناگون سیاسی و اجتماعی، با اوهام و عادات و برداشتهای سست آمیخته شده، از گوهر نخستین خود دور شده است. از این رو، عناصر سازنده و مفید آن مورد غفلت واقع شده است و در حقیقت آنچه که در جامعه مسلمین وجود دارد، جز در نام و صورت، هیچ شباهت و مناسبتی با اسلام ندارد. به همین جهت بازگشت به قرآن و سنت و سیره سلف صالح را تنها چاره و درمان این درد می‌شمرد. (۷)

۲) وحدت و همبستگی جهان اسلام

ظاهراً ندای اتحاد اسلام را در برابر غرب، اولین بار سید جمال بلند کرده است و منظور از اتحاد اسلام، اتحاد مذهبی که امری

غیر علمی بود، نبود. منظور اتحاد جبهه‌ای و سیاسی بود. یعنی تشکیل صف واحد در مقابل دشمن غارتگر. سید معتقد است که عظمت و پیشرفت پیشین مسلمانان در اثر وحدت و اتحاد بوده و شکست و عقب ماندگی کنونی آنان نتیجه تفرقه و تشتت دلهای آنان است. (۸) سید عامل ایجاد این وحدت را علمای دینی می‌داند، از این رو چنین می‌نگارد: اولین ندایی که به وحدت بلند می‌گردد و خواب برده را بیدار می‌کند، از مردم بلند مرتبه صادر گردد و در این شکی نداریم که علمای عامل یسد طولانی در این عمل شریف دارند و خداوند کسی را که بخواهد، هدایت می‌کند و کار از آغاز تا انجام به دست خدا است. (۹) سید جمال این وحدت را بر محور نقاط اشتراک و اصول کلی مذهب در برابر بیگانگان و دشمنان اسلام توصیه می‌کند و اتحاد ملت اسلام را یگانه عنصر پیروزی بر خصم به شمار می‌آورد. (۱۰)

۳) ایستادگی در مقابل استعمار خارجی و رهایی از استبداد داخلی

از دیدگاه سید جمال، استعمار خارجی به کمک استبداد داخلی، از بزرگ‌ترین علل و عوامل ضعف و تفرقه و از موانع عمده پیشرفت و اتحاد مسلمین، می‌باشد. او که استعمار را با همه ابعادش، به خوبی می‌شناخته و شدیدترین مواضع را نسبت به آن داشته، درباره واژه استعمار می‌گوید: این استعمار که از نظر لغت به معنی آباد کردن است از لحاظ معنی حقیقی و اصطلاح به عقیده من، مانند اسماء اضداد است، زیرا این استعمار یعنی استعباد و بنده برده ساختن آزادان و آزادگان و خلاصه استعمار به معنی تخریب نزدیک تر است تا به تعمیر و عمران. (۱۱)

سید جمال با مقایسه وضع گذشته و حال مسلمین، رابطه وحدت ایمانی و یکپارچگی مسلمین با قدرتمندی و صدور انقلاب آنها در گذشته و رابطه تفرقه و تشتت داخلی، ناشی از سلطه استبداد داخلی و به ویژه استعمار خارجی را با ضعف و عقب ماندگی آنها در دوران معاصر، یادآور گردیده و در ترسیم وضع مسلمین به هنگام سلطه استعمار خارجی می‌گوید: بلاد مسلمانان امروز منهوب است و اموالشان مسلوب (ربوده شده) مملکتشان را اجانب تصرف کنند و ثروتشان را دیگران تصاحب نمایند ... (۱۲)

سید جمال، استبداد و حاکمیت‌های استبدادی را یکی از موانع مهم و اساسی راه رشد و تعالی و وحدت مسلمین دانسته و می‌گوید: حکمران مستبد، جامعه را از موازین حق و عدل خارج نموده و درهای دشمنی را باز می‌کند، فساد اخلاقی و اجتماعی و خصومت و تفرقه را دامن می‌زند و همراه با خارج نمودن مردم از صحنه سیاست و اعتماد به بیگانگان و دوستی با آنها و با دشمنان اسلام، باعث بریدن رشته‌های پیوند و مودت میان مسلمین و دوری آنها از اسلام و از دستگاه حکومت و

رهبری، می شود که در نتیجه این تشمت و نابسامانی داخلی، استعمارگران و بیگانگان، در پیوند با استبداد، بر جامعه اسلامی مسلط می شوند، که شدند. (۱۳)

۴) پیوند دین و سیاست

سید جمال، دین را مایه نظام و قوام اجتماع می داند و در رساله معروف «نیچریه» خود، به شیوه‌ای منظم، با بحث در زمینه رابطه دین و جامعه، می نویسد: «دین مطلقاً سلسله نظام هیئت اجتماعی است و بدون دین هرگز اساس مدنیت محکم نخواهد شد». (۱۴)

بر مبنای همین دیدگاه، به ویژه در رساله فوق الذکر، سید جمال به رد نظریه دهریون و مادی‌گراها و غرب زده‌ها و همه نحله‌ها و جریانها و اشخاصی که در صدد سست نمودن اعتقادات دینی و پایه‌های عقیدتی و معنوی جامعه اسلامی بودند، پرداخت. او با اعتقاد به اینکه اسلام در میان ادیان، با اصول و قواعد نیرومند و محکم خود، به بهترین وجهی جامعه انسانی و اسلامی را حفظ کرده و ارتقاء می بخشد، بر همبستگی دین و سیاست تأکید ورزیده و با یادآوری وحدت امت در سایه دین و پیروزیهای درخشان مسلمین در گذشته، و نقش دین در ایجاد الفت و برادری، محبت و دوستی و وحدت و یگانگی، تعصب دینی را برخلاف تعصبات جاهلی قومی و نژادی، ستوده و مسلمانان را به آن فراخواند. (۱۵)

سید، تفکیک دین از سیاست و تبدیل خلافت به سلطنت را، از مهم ترین انحرافات عقیدتی و سیاسی در سطح رهبران و مردم می دانست. با آغاز این انحراف و تضعیف پیوند دینی و معنوی مردم با حکومتها، ضعف و تفرقه گسترش یافت و زمینه سلطه حکام مستبد و خودکامه و

استعمارگران فراهم آمد. (۱۶)

۵) علم آموزی مسلمانان و

شناخت آنان از علوم جدید

سید جمال بر این نکته تأکید دارد که مسلمانان جهان اسلام باید مجهز به علوم همانند فیزیک، شیمی، طبیعی و هندسه باشند تا در اختراع و رشد صنایع مورد نیاز زمان و آنچه که لازمه دفاع از سرزمین اسلامی است، سرآمد دیگران باشند. وی همچنان توصیه می کرد که مسلمانان باید این علوم را در خدمت اسلام و نوع انسان قرار دهند و در راه به دست آوردن آن استقلال داشته باشند. (۱۷)

سید بر این نظر بود که علوم و فنون را باید مسلمانان در خدمت اسلام و انسانیت قرار دهند و در راه به دست آوردن آن، استقلال داشته باشند و از تقلید و وابستگی بپرهیزند. (۱۸)

ابعاد شخصیتی سید جمال؛ الگویی برای جوانان

سید جمال الدین حسینی که به حق می توان لقب «پدر جنبش و بیدری اسلامی» را به وی نسبت داد، از جمله بزرگان و سردمداران وحدت اسلامی می باشد که با بررسی اندیشه‌های وی و واکاوی در شخصیت این فرزانه بزرگ می توان از ایشان به عنوان سرمشق و الگو استفاده کرد و زمینه را برای جوانان جهان اسلام به منظور پیروی از چنین اسوه و الگویی هموار کرد، تا ان شاء الله جهان اسلام شاهد سید جمالهایی باشد که هر یک زینت بخش حکومت اسلامی هستند. ضرورت شناخت ابعاد شخصیتی سید جمال را علاوه بر آنچه گذشت می توان در سخنان بزرگان نیز جستجو کرد. همچنان که مقام معظم رهبری درباره او می گوید: «سید جمال الدین اسدآبادی، بیدارگر مشرق زمین است». (۱۹) سید جمال در زمان خود آنچنان شخصیتی کامل بود که برای بررسی و بازگویی ابعاد شخصیتی وی باید تمامی صفات و ویژگیهای نیک و پسندیده را برشماریم. اما آنچه که طبق مستندات تا به حال باقی مانده عبارتند از:

۱) عاشق علم و عالم

وی از کودکی عاشق تحصیل و کسب علم بود، چنان که در قزوین در سنین کودکی وارد حوزه شد و به تحصیل علوم پرداخت. درباره وی گفته اند: چنان شوق تحصیل را داشته که ایام جمعه و اعیاد را به هیچ وجه تعطیل قرار نمی داده و در جواب پدرش که اصرار می کرده گاهی به سیاحت و گردش شهر برود، می گفت: خشت و گل چه تماشا و سیاحتی دارد. او عالمی وارسته بود به طوری که در سنین نوجوانی به درجه اجتهاد رسید و در علوم اسلامی متبحر گردید. (۲۰)

۲) قناعت و سادگی

او به مال دنیا اهمیت نمی داد و برای امرار معاش زندگی روزمره اش به حداقل قانع بود. هرچند که وی به تندرستی و سلامتی خویش بسیار اهمیت می داد ولی همیشه به حد ضرورت اکتفا می نمود. او تجمل را مانع رسیدن به هدف می دانست به طوری که گوید:





«... در اوایل دوران مسافرت، دو دست لباس همراه داشتم؛ اما چون دچار تبعیدهای متوالی شدم، احساس کردم که لباس اضافی زاید است؛ به همین سبب با همین یک دست لباس که پوشیده‌ام، می‌سازم تا کهنه شود، آن وقت عوض خواهم کرد.» (۲۱)

۳) خطیبی توانا و قدرت استدلال

ایشان با تسلط کامل بر فن خطابه و با به کار بردن کلماتی فصیح و بلیغ، سخن خویش را به طور روشن و واضح بر قلب و جان انسانها می‌نشانند. او متناسب با شنونده و مخاطب خود در سطوح مختلف سخن می‌گفت. ایشان دانشمندی قفید و خطیبی زبردست و از قدرت استدلال بالا برخوردار بود. این مطلب در جواب سؤالی که از وی می‌شده و نیز در مقالات و نوشته‌هایی که از وی به جا مانده، به وضوح به چشم می‌خورد، چنان که در رساله «نیچریه» برخی از استدلالهای وی قابل رؤیت است. (۲۲) به هر حال حرفهایش چون از دل اسلام ناب برمی‌خاست و آنها را با استدلالی منطقی مزوج می‌نمود، بر قلبهای انسانهای پاک نفوذ می‌کرد و این رمز کلام نافذ او بود.

۴) آگاه به زمانه

در اندیشه‌های او بین غرب‌گرایی و غرب‌زدگی تفاوت بود. او قائل به غرب‌گرایی بود، ولی از غرب‌زدگی پرهیز می‌نمود. چراکه وی استفاده مردم مسلمان از تکنیک و تکنولوژی و پیشرفت و تجربه کشورهای غربی و پرداختن آنان به علوم و فنون جدید را عیب و ضعف نمی‌دانست و معتقد بود که مسلمانان هم باید با حفظ روحیه و تفکر اسلامی در همه زمینه‌ها رشد کنند و از امکانات صنعتی بهره‌جویند. (۲۳)

۵) سخت‌کوش

وی از اوان کودکی تا پایان عمرش، دست از تلاش و مبارزه در راه اسلام و ایمان برنداشت و هرگز مشکلات راه او را از هدف دور نساخت. او در قسمتی از نامه خود به صدراعظم مصر می‌نویسد: «همین قدر می‌دانستم که اگر به وطن خود بازگردم - با چشمهای اشک‌آلود و صدای پر از شکایت و قلب سوزان - در آنجا، حتی یک نفر مسلمان را نخواهم یافت که نسبت به من ابراز همدردی بکند ... بنابراین، در آن وقت حتی بدون داشتن پول، تصمیم گرفتم به سرزمینهایی مسافرت کنم که مردم آن، افکار سالم و گوشه‌های شنوا و دل‌های پر از محبتی دارند تا من به آنها، داستان خود را بازگو کنم.» (۲۴) از این سخن می‌توان به سخت‌کوشی وی پی برد که حتی نداشتن پول و بار نیز او را از مسیر خود منحرف نکرد. در رابطه با سخت‌کوشی وی مطلب بسیار است که از دیگر موارد می‌توان به تبعیدهای متعدد ایشان در فصول و شرایط مختلف اشاره کرد.

۶) مردی شجاع و صریح و بی‌پروا

سید جمال این خصیصه را از کودکی با خود داشت، چراکه در

کودکی در کلاس درس آقا سید صادق شرکت کرد، در صورتی که شاگردان آقا سید صادق، همگی از علما و بزرگان بودند. او نه تنها از حضور علما و بزرگان نترسید، بلکه در مقابل آقا سید صادق عرض اندام نمود، به طوری که او، سید را شاگرد خاص خود گرداند. شجاعت و بی‌پروایی او به عرصه علم محدود نمی‌شد، بلکه در برابر حکام مستبد و مستکبران جهان اسلام نیز قد علم نمود. به عنوان مثال می‌توان به اقتدار او در مقابل ناصرالدین شاه و پادشاه عثمانی اشاره کرد. (۲۵)

۷) باهوش

هوش و ذکاوت بالای وی را می‌توان از رسیدن او به درجه اجتهاد در سنین نوجوانی دریافت نمود. این مسئله در نامه‌های وی (۲۶) نیز قابل رؤیت است که مدیرانه و اصولی نوشته می‌شد. او به دلیل هوش بالای خود به راحتی به شبهات و ابهاماتی که از جانب بیگانگان نسبت به عقاید اسلامی مطرح می‌شد، پاسخ می‌گفت.

۸) عامل و متعهد به قرآن و اسلام

از جمله اندیشه‌های وی شناساندن اسلام ناب و بازگشت به اسلام و اصل قرآن است. وی افکار و عقایدش را با قرآن مطابقت می‌داد و طبق آن عمل می‌نمود. او در سخنانش مردم را به تعهد به قرآن و اسلام دعوت نموده است. او در یکی از مقالات العروة الوثقی می‌نویسد: «عقیده به قضا و قدر یکی از آن عقاید حقه است که اروپاییان ناآگاه درباره آن به اشتباه افتاده‌اند و گمانهای نادرست برده‌اند ...». سید جمال با بیان چنین مطالبی از اسلام و قرآن دفاع می‌کرد و تعهدش را به قرآن و اسلام ابراز می‌نمود و خود عامل به آنها بود. (۲۷)

۹) تارک دنیا و عزت‌گرا و مخالف ذلت

سید جمال الدین اسدآبادی که از سردمداران اصلاح طلبی دینی است، با هیچ‌یک از حکام وقت سازش نکرد و منافع شخصی خویش بر منافع امت مسلمان ترجیح نداد و همواره خواستار عزت و سربلندی مسلمانان بود. او تارک دنیا بود و با وجود پیشنهادهای بسیاری که به او شد مانند پیشنهاد سلطان عبدالحمید برای رساندن او به درجه شیخ الاسلامی و تأسیس دانشگاه برای وی، سر تسلیم فرو نیاورد (۲۸) و راه خویش را که همان عزت مسلمانان در سایه اتحاد و برادری و برابری بود، ادامه داد. یکی از اقدامات عزت‌گرایانه وی مبارزه با استعمار انگلیس بود.

۱۰) شهادت طلب

او در راه پیشبرد هدفش که اتحاد مسلمانان جهان و عزت اسلام بود، جان خود را ناچیز می‌شمرد و از افتادن در چنگال بیگانگان هراسی نداشت. وی با توجه به فشارهای روزافزون دولت ایران، انگلیس و دیگر دول و انقلابهای متعددی که سید در چهارگوشه جهان، ایجاد نموده بود، در سختی و مشقت به سر می‌برد، ولی با این وجود دست از مبارزاتش بر نمی‌داشت و در

راه هدفش روشننگری می نمود تا جایی که با وعظهای دلنشین و احادیث خیرالمرسلینش در کانون دل‌های انسانهای بیدار آتش قیام و مبارزه را علیه استبداد و استکبار برمی افروخت و صدای «یا لثارات الاسلام» را بلند می کرد و اتحا اسلامی را گوشزد می نمود. همچنین منقول است: وی را در زندان عثمانی زهر خورانیده و به شهادت رساندند. (۲۹)

۱۱) قدردان و رک و راست بودن

سید جمال که از اندیشمندان و اصلاح طلبان معاصر می باشد، در اعمال و رفتار خود در سطوح مختلف اجتماعی بسیار روشن و روراست عمل می کرد. او حتی در مقابله با سلاطین و حکام ممالک اسلامی هم زبانی سرخ و بیانی صریح داشت. این مطلب در حالی است که وی خدمات و حمایت‌های نزدیکان و دوستان را فراموش نمی کرد و قدردان آنان می بود، همان گونه که محمدپاشا مخزومی در خاطرات خود از دوستی با سید جمال الدین ابراز می دارد: «سید جمال الدین نسبت به شیخ محمد عبده، شیفتگی زیاد نشان می داد و بارها از فضایل او یاد می کرد. معمولاً او را «دوستم شیخ» خطاب می کرد. عبدالله ندیم که در آخر عمر سید زیاد به دیدارش در خانه او می رفت، روزی پرسید: شما از شیخ محمد عبده، بسیار ثنا می گویی؛ آن گونه که گویا دوست دیگری نداری ... سید تسمی کرد و گفت: عبدالله تو هم دوست من هستی، ولی فرقی که بین تو و محمد عبده است، این است که او در سختیها دوست من بود و تو در آسایش و رفاه ...» (۳۰)

۱۲) عمل کننده به وحدت کلمه

به جرئت می توان گفت: سید جمال اولین ندای وحدت کلمه را در برابر استعمار و استکبار غرب، سرداد. او این وحدت را بر محور نقاط اشتراک و اصول کلی مذهب در برابر بیگانگان و دشمنان اسلام توصیه می کند و اتحاد ملت اسلام را یگانه عنصر پیروزی بر خصم به شمار می آورد. او در این باره می نویسد: «برای یک ملت، امکان آن نیست که خود را حفظ کند و به کسی که در برابر وی است، یورش ببرد، مگر از آن ماده که برای نیروی او ضرورت دارد به جنگ آورد و این حاصل نمی شود به جز اینکه در تحصیل مایحتاج خویش اتحاد داشته باشد». (۳۱) او عامل هلاکت امته را در طول تاریخ، تفرقه می دانست و بر وحدت کلمه تأکید می کرد.

۱۳) نیکو شمایل و جذبه داشتن

سید جمال نگاهی نافذ و جذباتی خاص در شکل و شمایل و کلام و صحبت داشت. او موقر، تنومند و قوی بنیه جلوه می کرد، با این حال غذای او در روز بیشتر از یک وعده نبود. (۳۲)

۱۴) اجتناب از درویشی

سید جمال در عین حالی که از اسراف و زیاده روی میرا بود با درویشی و صوفی گری مخالفت می نمود. میرزا حسین خان دانش اصفهانی درباره وی می گوید: «من بارها از او شنیدم که

می گفت: دو نوع فلسفه در دنیا هست؛ یکی آنکه هیچ چیز در دنیا، مال ما نیست و قناعت به یک خرقه و یک لقمه باید کرد؛ دیگر آنکه همه چیزهای خوب و مرغوب دنیا، مال ما است و باید مال ما باشد. این دومی خوب است، این دومی را باید شعار خود ساخت، نه اولی را که به پیشیزی نمی ارزد». (۳۳) این مطلب تکیه بر آن دارد که سید به درویشی و صوفی گری بی اعتنا بود و نظر بر آن داشت که باید از نعمتهای الهی به نحو احسن استفاده نمود.

۱۵) بی نام و نشان و نام آشنای جهان اسلام

هرچند که سید جمال از بزرگان و نام آوران جهان اسلام به شمار می آید، ولی او هرگز به دنبال شهرت نبود. او خود را متعلق به همه جهان اسلام می دانست و خود را به جایی منتسب نمی کرد؛ به این خاطر، اکنون در اینکه او متعلق به کدام منطقه است، میان صاحب نظران اختلاف وجود دارد. اگر نامه های مختلف و متعدد سید را مشاهده کنیم، خواهیم دید که خود را در انتهای نامه هایش سید جمال الدین حسینی نامیده است، بی آنکه به محل زادگاهش اشاره کرده باشد. (۳۴) هدف او رسیدن به وحدت و اتحاد مسلمانان بود، از این رو خود را از قیود رها نیده بود، تا بهتر به آن مطلوب دست یابد. از دیگر ویژگیهای شخصیتی سید جمال، می توان به تواضع و فروتنی، ایمان و تقوا، استقامت و پایداری و احساس مسئولیت نسبت به اسلام و دین اشاره کرد.

نتیجه گیری

۱. از جمله آثار سید جمال الدین اسدآبادی، تألیف مقالات و انتشار چندین نشریه در کشورهای مختلف است، برای مثال می توان به تألیف «رساله نیچریه»، «رساله اکهوریان»، «مقاله تعلیم و تربیت»، «مقاله فضایل دین اسلام» و «فوائد فلسفه» و انتشار «مجله العروة الوثقی»، «نشریه ابونظاره» و «نشریه ضیاء الخائفین» اشاره کرد. هرچند تألیفات سید جمال در بازتاب شخصیت او ناچیز و محدود است، اما آنچه مهم است اینکه اندیشه و روان او بر جهان اسلام اثر گذاشت.

۲. مهم ترین تفکرات سید که عامل پیشرفت جهان اسلام بود، از این قرارند: بازگشت به اسلام اصیل و احیای تفکر دینی، وحدت و همبستگی جهان اسلام، ایستادگی در مقابل استعمار خارجی و رهایی از استبداد داخلی، پیوند دین و سیاست، و علم آموزی مسلمانان و شناخت آنان از علوم جدید.

۳. ابعاد شخصیتی سید جمال که باعث بروز آن تفکرات گردید عبارتند از: عاشق علم و عالم، قناعت و سادگی، خطیبی توانا و قدرت استدلال، آگاه به زمانه، سخت کوش، مردی شجاع و صریح و بی پروا، باهوش، عامل و متعهد به قرآن و اسلام، تارک دنیا و عزت گرا و مخالف ذلت، شهادت طلب، قدردان و رک و راست بودن، عمل کننده به وحدت کلمه، نیکو شمایل و جذبه





داشتن، اجتناب از درویشی، و بی نام و نشان و نام آشنای جهان اسلام.

۴. آنچه از نامه‌های سید جمال درباره شخصیت کم نظیرش می‌توان فهمید این است که وی فردی دانشمند و با درایت بود و روحیه اصلاح طلبی او، از ویژگیهای بارز و روشن و انکارناپذیر این مرد مبارز و سخت‌کوش است.

۵. سید جمال، الگویی بی‌بدیل برای ساخت شخصیت یک مسلمان در دوران کودکی و بزرگسالی، به خصوص جوانی است؛ چراکه اگر یک جوان در دوران پرشور جوانی، دارای خصایصی همانند شجاعت، علم اندوزی، تعهد به قرآن، مخالف

ذلت و شهادت طلب باشد، باعث ارتقای جهان اسلام می‌گردد؛ زیرا اگر جوان مسلمان شجاع باشد؛ از دشمنان نمی‌هراسد، اگر عالم و آگاه باشد؛ فریب نمی‌خورد و در راه راست گام برمی‌دارد، اگر متعهد به قرآن باشد، به آن عمل می‌کند و عمل به قرآن همراه با پیروزی است، و اگر مخالف ذلت و شهادت طلب باشد؛ از مرگ نمی‌هراسد و حاضر است در راه اسلام، جان خود را فدا کند که این ویژگیها و ویژگیهای بسیار دیگری که در ابعاد شخصیتی سید جمال ذکر شد، باعث پیشرفت جهان اسلام می‌گردد. از این رو شخصیت وی برای جوانان الگویی مناسب است.

پی‌نوشتها

۱. سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، ص ۷؛ سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، ص ۱۱.
۲. ر.ک: سه رساله درباره زندگی و مبارزه سید جمال الدین اسدآبادی، صص ۹-۷۲؛ پیشگامان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید، صص ۴۰-۷۰؛ سید جمال الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاستمدار، صص ۱۷-۱۹؛ سید جمال الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سید جمال الدین اسدآبادی، صص ۳۱-۷۹؛ اندیشه سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی، صص ۱۱-۱۸.
۳. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۲۹۲.
۴. سید جمال، جمال حوزه‌ها، ص ۱۰۵.
۵. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۲۹۲.
۶. همان، ج ۱، ص ۲۹۷.
۷. سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، صص ۱۳۷. نیز ر.ک: سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، صص ۱۸-۳۰؛ سید جمال الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سید جمال الدین اسدآبادی، صص ۹۳-۱۰۴.
۸. سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، ص ۱۴۳.
۹. همان، صص ۱۴۴-۱۴۶.
۱۰. همان، ص ۱۵۱. نیز ر.ک: تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر جنبش اتحاد اسلام، صص ۳۳۴؛ سید جمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، صص ۱۶۳-۲۱۳؛ سید جمال الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی: مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی سید جمال الدین اسدآبادی، صص ۳۳۱-۳۳۱.
۱۱. استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، ص ۳۱۰.
۱۲. همان، ج ۱، ص ۳۱۱.
۱۳. همان، ج ۱، ص ۳۰۹. نیز نک: سید جمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، ص ۸۷.
۱۴. همان، ج ۱، ص ۳۱۵.
۱۵. همان، ج ۱، ص ۳۱۶.
۱۶. سید جمال، جمال حوزه‌ها، ص ۱۱۵. نیز ر.ک: اندیشه سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی، صص ۲۶-۳۰.
۱۷. ر.ک: العروة الوثقی، ص ۲۴؛ سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، صص ۱۳۵ و ۱۳۶.
۱۸. سید جمال، جمال حوزه‌ها، ص ۱۱۵.
۱۹. سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، ص ۷۳.
۲۰. نک: سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، ص ۱۵؛ سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، صص ۹ و ۱۰.
۲۱. سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، ص ۴۴.
۲۲. ر.ک: مجموعه رسائل و مقالات، مقاله نیچریه.
۲۳. ر.ک: بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، صص ۱۸-۲۸.
۲۴. سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، صص ۲۴ و ۲۵.
۲۵. نک: اندیشه و استراتژی وحدت در شبه قاره هند و ایران، صص ۱۵۵-۱۶۲؛ مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، ص ۱۹۲.
۲۶. ر.ک: مجموعه رسائل و مقالات، نامه‌ها.

۲۷. ر.ک: سید جمال الدین اسدآبادی، رحمانیان، ص ۷ به بعد؛ مجموعه مقالات همایش یکصد و پنجاهمین سالگرد حیات فعال سید جمال الدین حسینی اسدآبادی قزوین ۲۱-۲۲ آبان ۱۳۸۷، دانشگاه بین المللی امام خمینی، صص ۲۷-۵۰؛ سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، ص ۲۱.

۲۸. سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، ص ۴۵.

۲۹. همان، ص ۵۲؛ شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی.

۳۰. همان، ص ۶۰.

۳۱. سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، ص ۱۴۵.

۳۲. سید جمال الدین اسدآبادی، زائری و ...، ص ۵۳.

۳۳. همان، ص ۵۴.

۳۴. نک: سید جمال الدین اسدآبادی مجدد نهضت احیای فکر دینی، ص ۹۷؛ مجموعه رسائل و مقالات، ص ۶۳.

کتابنامه

۱. اسدآبادی، میرزا لطف الله خان، شرح حال و آثار سید جمال الدین اسدآبادی، بی جا، بی نا، بی تا.
۲. امیراروش، محمدحسین، تأملی بر مسئله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر جنبش اتحاد اسلام، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۳. امین، احمد، پیشگامان مسلمان تجددگرایی در عصر جدید، ترجمه حسن یوسفی اشکوری، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۴. جمال الدین اسدآبادی و محمد عبده، العروة الوثقی، قم، انتشارات بعثت، ۱۳۹۰ ق.
۵. جمال الدین اسدآبادی، مجموعه رسائل و مقالات، به کوشش: هادی خسروشاهی، تهران، کلبه شروع؛ قم، مرکز بررسیهای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش / ۴۲۱ ق.
۶. جمعی از نویسندگان مجله حوزه، سید جمال، جمال حوزه ها، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، چاپ اول، زمستان ۱۳۷۵ ش.
۷. خسروشاهی، هادی، سه رساله درباره زندگی و مبارزه سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، کلبه شروع؛ نشر سماط، چاپ اول، ۱۳۷۹ ش.
۸. رجیبی، محمدحسن؛ و رؤیا پورامید، فاطمه، مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، تهران، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۹. رحمانیان، داریوش، سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۱۰. زائری، محمدحسین؛ میرجمهری، پژمان؛ و اشرفی، موسی، سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، مرکز آموزش سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۶ ش.
۱۱. صاحبی، محمدجواد، سید جمال الدین اسدآبادی مجدد

- نهضت احیای فکر دینی، قم، مؤسسه فرهنگی هنری احیاگران اندیشه دینی - نشر احیاگران، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶ ش.
۱۲. ضابط پور، غلامرضا، اندیشه سیاسی سید جمال الدین اسدآبادی، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. طباطبایی، محمد محیط، سید جمال الدین اسدآبادی و بیداری مشرق زمین، به کوشش و مقدمه: هادی خسروشاهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۱۴. کنگره بین المللی سید جمال الدین اسدآبادی، سید جمال الدین اسدآبادی و نهضت بیداری اسلامی: مجموعه مقالات کنگره بین المللی سید جمال الدین اسدآبادی، با همکاری سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. مجتهدی، کریم، سید جمال الدین اسدآبادی و تفکر جدید، تهران، نشر تاریخ ایران، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۶. مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، تهران، صدا، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. موثقی، احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مرکز انتشارات، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۵ ش.
۱۸. همو، اندیشه و استراتژی وحدت در شبه قاره هند و ایران، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۹. همو، سید جمال الدین اسدآبادی مصلحی متفکر و سیاستمدار، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۲۰. نوازی، بهرام، مجموعه مقالات همایش یکصد و پنجاهمین سالگرد حیات فعال سید جمال الدین حسینی اسدآبادی قزوین ۲۱-۲۲ آبان ۱۳۸۷، دانشگاه بین المللی امام خمینی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول، پاییز ۱۳۸۸ ش.

